

بجسار

مشتق از آن معبر لغتند و همچنین اسم مفعول است که معنوی
 الف لام بر سر او در اول و در اول الف ثانی را حذف کردند
 و حرف یکمین جمع شد اول پ که در دوم تحریک ادغام کردند
 اندک شد و بعضی بر آنند که اسم علم است و بعضی از اهل لغت
 میدانند و بعضی از لغویان اسم عظم میدانند و بالجمله اسم عظم
 که توسط آن مورد اجابت دعاست بحضرت در پرده که آن
 دست خفایت و کلمه جامع که منسوب است بحضرت صاحب
 جوامع الکلم که اسم عظیم در اول سوره آل عمران است حی
 الم الله لا اله الا هو الحی القیوم منزه بر رده خفای
 چهره و خصوصاً میکشاید و بصورت بیانات مجموع شهادت
 می باشد این حقیقت است که چون در آن اسم عظیم است
 و اجابت دعا تو امانت در آن است بعد بر حجاب استجاب
 از چهره ظهورش بر داشت و علم اظهارش از رسیدن
 ظهور بر غیر است تا بوالعنان در شهادت نفس را که است

توسل بخندید و راه کسب مقاصد دنیوی را با پیروی آن
 ناری اندکش نپویند دریم اللهم و در مسامت خلیل و سید
 بر آنند که عوض حرف مذ است یعنی در صلس با آنده بوده یا
 که حرف است از جهت تخفیف حذف کردند زیرا که کثیر استعمال
 بود و چون حق اسم عرف بلام آن بود که بوسید لفظ ای
 اسم اشاره برای او توسل جویند و در ما غنی فی رسیدن
 حذف نموده بودند حرف مذ را بدین که بدل حذف نکردند
 تا اجزای غیر زیادتی تغییر در کلمه لایم نیاید پس عوض او
 می باشد در اول و در دوم و در مسامت است و عوض که تیرا
 و معوض که حرف مذ است است که هر کجا در بیان اراداة
 تعریفند نزد بعضی و در آن اسم می باشد که فی حقیقت
 او همیشه است که معوض نیز که حرف مذ بود و حرفت و اما در
 تا غیر عوض از موضع معوض است که ابتدا با هم سخن است
 و آنکه هر چه حصول حرکت واقع شود و برین مدخل اعتبار

نور